



درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره
 تاریخ: ۲ آذر ۱۴۰۰
 موضوع جزئی: آیه ۴۱ - بخش دوم: «و لا تَكُونُوا أَوْلَ کَافِرٍ بِهِ» -
 مصادف با: ۱۷ ربیع الثانی ۱۴۴۳
 ۱. معنای «و لا تَكُونُوا» - ۲. معنای «أَوْلَ کَافِرٍ»
 جلسه: ۱۸

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاللَّعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ﴾

بخش دوم: «و لا تَكُونُوا أَوْلَ کَافِرٍ بِهِ»

در آیه ۴۱ عرض کردیم چهار بخش وجود دارد که بخش اول آن گذشت. معنای «وَأَمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ» معلوم شد. بخش اول چهار جزء داشت که این اجزاء را ما بیان کردیم و توضیح دادیم. بخش دوم این است: «وَلَا تَكُونُوا أَوْلَ کَافِرٍ بِهِ». این نهی از این است که این‌ها اولین کافران به آن چیز باشند. البته اگر بخواهیم ترجمه ای از این بخش از آیه ذکر کنیم، بستگی به این دارد که اولاً مخاطبان «لا تَكُونُوا» چه کسانی باشند. ثانیاً معنای «أَوْلَ کَافِرٍ» چه باشد و ثالثاً متعلق ضمیر «بِهِ» چیست.. یعنی در مقام ترجمه هم ابتدا باید تکلیف خود را معلوم کنیم؛ لذا اجزاء بخش دوم در حقیقت سه جزء اند. یعنی باید سه بحث را در بخش دوم دنبال کنیم.

۱. «لا تَكُونُوا»

در مورد خطاب «لا تَكُونُوا» دو احتمال وجود دارد:

یکی اینکه مخاطب عموم بنی اسرائیل اند، اعم از عامه و توده های مردم و خواص و عالمان و دیگر اینکه عالمان و خواص مخاطب می‌باشند.

احتمال اول

اینکه میفرماید «و لا تَكُونُوا» به قرینه آیه قبل که امر به ایمان آوردن به قرآن و پیامبر گرامی اسلام دارد و آن عمومی بوده، اینجا علی الظاهر باید بگوییم این خطاب هم عام است و به همه بنی اسرائیل اعم از توده های مردم و عالمان می‌گوید شما مراقب باشید که اولین کافر نباشید.

احتمال دوم

البته برخی این احتمال را هم داده اند که خطاب به عالمان و خواص یهود بوده، چون آن‌ها بودند که این نشانه‌ها و بشارت‌ها را در کتاب آسمانی خودشان دیده بودند و آن‌ها بودند که اگر ایمان می‌آوردند به تبع آنها بسیاری از مردم ایمان می‌آوردند و اگر کافر می‌شدند بسیاری از مردم کافر می‌شدند. لذا کآن می‌خواهد بگوید شما پیشگام در کفر به قرآن و پیامبر نباشید. پس این دو احتمال در اینجا وجود دارد.

لکن به نظر می‌رسد با ملاحظه مجموع سیاق آیه و با توجه به اینکه قبلش هم امر به ایمان شده بود و آن خطاب به عموم بنی اسرائیل بود، مخاطب اینجا هم عموم بنی اسرائیل اند.

البته بعد از این در «وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا» که نهی از فروش این‌ها به یک ثمن ناچیز است، آنجا باز ممکن است بگوییم بیشتر ظهور در عالمان و خواص یهودی دارد. چون آن‌ها هستند که بالاخره با آیات و نشانه‌های الهی معامله می‌کنند و گاهی این‌ها را انکار می‌کنند.

علی‌ایحال با اینکه هر دو وجه در اینجا محتمل است، اما اولی این است که مخاطب «لَا تَكُونُوا» را عامه بنی اسرائیل بدانیم و وقتی عموم بنی اسرائیل مشمول این نهی باشند، این شامل عالمان و خواص آن‌ها هم می‌شود.

۲. «أَوَّلَ كَافِرٍ»

جزء دوم «أَوَّلَ كَافِرٍ» است. سوال مهم این است که معنای «أَوَّلَ كَافِرٍ» چیست و بر فرض یهود و مسیحیت به قرآن و پیامبر ایمان نیاورند، آیا می‌توانیم اساساً بگوییم این‌ها اولین کافر اند؟ با توجه به سابقه کفر در حجاز و اینکه در آنجا اصلاً مأوی و مسکن بت پرستان و مشرکان بود، چطور خداوند تبارک و تعالی به این‌ها می‌فرماید شما اولین کافر نباشید؟ برای چه اینجا چنین گفته اند؟

چند احتمال در معنای «أَوَّلَ كَافِرٍ»

مفسرین برای پاسخ به این سوال وجوه و احتمالات فراوانی را ذکر کرده‌اند. فخر رازی در تفسیرش نه وجه برای پاسخ به این سوال ذکر کرده است. البته بسیاری از مفسرین هم که در کلماتشان به این پاسخ‌ها و احتمالات اشاره کردند، از این سخن و بیان فخر رازی بی بهره نبودند.

سوال این است که چطور خدا خطاب به این‌ها می‌گوید شما اول کافر نباشید در حالی که مسلماً پیش از این‌ها کافرانی بودند و اساساً مشرکان عرب و کافرانشان معروف و مشهور بودند؟

احتمال اول

یکی از این وجوه این است که در حقیقت خداوند تبارک و تعالی با نهی از کفر این جماعت و اینکه می‌فرماید شما اولین کافر نباشید، دارد به آن‌ها تعریض می‌زند که شما باید اولین ایمان آورندگان به قرآن و پیامبر باشید. در حقیقت «لَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ» به این معناست که شما باید اولین مؤمنان به قرآن و رسول خدا باشید. برای اینکه در کتاب‌های آسمانی شما پیامبر خاتم و نبوت او و کتاب او مورد اشاره قرار گرفته بود و بشارت آمدن پیامبر و انزال قرآن داده شده بود. پس در حقیقت با این بیان نمی‌خواهد بگوید شما اولین کافر نباشید و منظور هم معنای حقیقتی باشد، بلکه کنایه می‌زند، یعنی با کنایه می‌گوید شما باید اولین ایمان آورندگان باشید.

آنهم مؤید آیه‌ای است که می‌فرماید: «فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ» وقتی آنچه را که می‌شناختند به آن‌ها داده شد و گفته شد، به آن کافر شدند.

احتمال دوم

احتمال دوم این است که اینجا دارد نهی می‌کند از اینکه مانند اولین کافران نباشید، نه اینکه حقیقتاً بخواهد بگوید شما اولین کافران نباشید. یعنی همانطور که اهل مکه و مشرکان انکار کردند و کفر ورزیدند، شما مانند اولین کافران به قرآن و آنچه که بر پیامبر نازل شده نباشید، چون شما می‌شناسید و می‌دانید و بشارت به آمدن به قرآن و پیامبر در تورات و انجیل بیان شده بود. پس معنای «لا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ» این است: لا تَكُونُوا مِثْلَ أَوَّلِ كَافِرٍ بِهِ.

احتمال سوم

احتمال سوم این است که منظور **أَوَّلُ كَافِرٍ بِهِ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ** است. درست است که پیش از آن‌ها کافران و مشرکانی بوده اند، لکن آنچه در این آیه مقصود است، این است که شما اولین کافران به قرآن از اهل کتاب نباشید. آن‌ها از قبل کافر بودند و اهل کتاب هم نبودند. اینجا می‌گوید از بین اهل کتاب پیشگامان کفر به قرآن نباشید و خودتان را از این گروه قرار ندهید.

احتمال چهارم

احتمال چهارم این است که می‌خواهد بگوید شما اولین کافران به کتاب خودتان نباشید. یعنی کتاب شما (تورات و انجیل) بشارت داده بود به اینکه یک کتاب آسمانی می‌آید و دین خاتم و پیامبر خاتم خواهد آمد. حال که قرآن نازل شده و رسول خدا مبعوث به رسالت شده، اگر شما به قرآن و رسول خدا ایمان نیاورید، یعنی در حقیقت به کتاب خودتان کافر شده اید. پس معنای «لا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ» **أَيُّ وَ لَا تَكُونُوا أَوَّلَ أَحَدٍ مِنْ أُمَّتِكُمْ كَذَّبَ كِتَابَكُمْ**. چون اگر شما پیامبر را تکذیب کنید، گویا کتاب خودتان را تکذیب کرده اید.

بررسی احتمال چهارم

البته این احتمال نمی‌تواند مورد قبول واقع شود چون این‌ها اولین تکذیب کنندگان کتاب خودشان نبودند، زیرا پیش از آن‌ها کسانی بودند که این کتاب را تکذیب کردند. بله، اولین تکذیب کنندگان کتاب خودشان بودند از این جهت که به نبوت رسول خدا و قرآن ایمان نیاوردند.

احتمال پنجم

احتمال پنجم این است که می‌خواهد بفرماید اگر شما به قرآن و پیامبر کافر شوید، این کفر شما غلیظ تر و شدید تر است از کفر سایر کافران. یعنی این اشاره به رتبه کفر دارد، اولین کافر از حیث رتبه و شدت، نه از حیث زمان. مانند اینکه در مورد کسی که از او توقع نمی‌رود که بعضی کارها را انجام دهد، یک کاری انجام دهد که ممکن است در بین مردم هم رایج باشد، اما با توجه به موقعیت، شخصیت و جایگاهش، عمل او خیلی شدید تر محسوب می‌شود. مثلاً شرب خمر یک روحانی شناخته شده با شرب خمر یک آدم عادی خیلی متفاوت است. اگر به این شخص روحانی بگویند او اول

فاسق است، (در مقایسه با آن دیگری هم که این گناه را مرتکب می‌شود)، بواسطه شدت و غلظت کاری است که آن روحانی انجام داده و برای او تعبیر اول به کار می‌برند.

احتمال ششم

احتمال دیگر این است که «ولا تكونوا أول كافر به» ای و لا تكونوا أول من جحد مع المعرفة. شما اولین کافران و اولین منکران با معرفت نباشد. چون پیش از آن، کافران منکر بوند اما معرفت نداشتند، اما شما می‌دانید. این احتمال بر می‌گردد به یکی از احتمالاتی که بیان شد و احتمال جدیدی نیست.

احتمال هفتم

یا بگویم «لا تكونوا أول كافر به» ای لا تكونوا أول كافر به من اليهود. باز این هم به نوعی بازگشت به یکی از وجوه گذشته می‌کند. بالاخره وقتی می‌گوییم لا تكونوا أول كافر به من اهل الكتاب، این احتمال را هم شامل می‌شود.

احتمال هشتم

احتمال دیگر این است که «لا تكونوا أول كافر به» ای لا تكونوا أول كافر به عند سماعكم بذكره. وقتی که شما شنیدید اولین کافری نباشید که آن را انکار می‌کنید.

احتمال نهم

احتمال دیگر این است که اصلاً لفظ «أول» در اینجا صله است؛ «لا تكونوا أول كافر به» ای لا تكونوا كافرين به، مانند «الذی» که این هم یک احتمال ضعیف است.

از این چند احتمالی که ذکر شد، چهار احتمال اخیر به نظر اضعف می‌آید، اما آن احتمالاتی که در ابتدا عرض شد شاید مناسب تر باشد. اما اینکه در بین این احتمالات کدام یک رجحان دارد را باید بعد از اینکه مرجع ضمیر به را هم بیان کردیم مشخص کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»